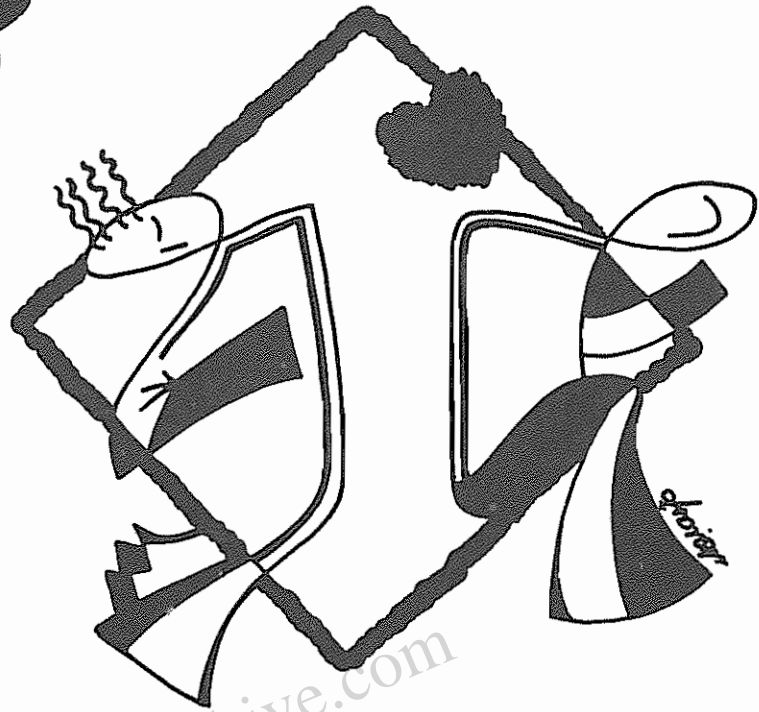


# گل کلمه



اوما سومیک  
ترجمه زهره زاهدی

جشنهای سالگرد ازدواج است، کسانی که ۵۰ یا ۶۰ سال زناشویی را با هم دوام آورده بودند.

این تصاویر به طرز غریبی آینده خود من بودند، کنار هم نشسته، بدون هیچ تماسی، مستقیماً به دوربین خیره شده بودند. موهای زن کمپشت شده و پوست صورتی سر از میانش پیدا بود. مال مرد هم همینطور. مثل دو شیشه عینک بودند.

می دانستم که اگر مدت زمان طولانی با هم می ماندیم دیگر کسی ما را از هم جدا نمی دانست. همین الان هم عقیده هایمان، داستانهایمان و نگرشهایمان آنچنان به هم آمیخته شده بود که خودمان هم مشکل می فهمیدیم کجا یکیمان تمام می شود و دیگری شروع می شود. هر وقت لطیفه ای تعریف می کرد، دقیقاً می دانستیم در چه لحظه ای خواهد گفت: «عزیزم نکته با مزه اش را تو تعریف کن.»

در ذهنم فهرست چیزهایی را که ۲۵ سال

همبرگر و سوسیس انداخته بودند زوی اجاق، سس زده و از وسط بریده بودند و ظرفها را هم گذاشته بودند خودمان بشوییم و رفته بودند. میز حاوی هدایای ما بود: یک حوله حمام تک سایز و یک تقویت کننده دوش حمام با پنج درجه، از ضعیفترین فشار تا قویترین فشار که آدم را به دیوار می دوزد، که شوهرم به من داده بود.

بیست و پنج سال. یک وقت ممکن بود که برای این همه سال تداوم ازدواج مورد تحسین بقیه قرار بگیریم، اما حالا دیگر نه. بچه ها جوری نگاهت می کنند که انگار حیوان ما قبل تاریخ هستی. همدوره ایهایت با کراهت سر تکان می دهند و آهسته به هم می گویند: «یک دقیقه هم با او نمی ماند اما چه کند که آن قدر از قیافه افتاده که دیگر نمی تواند کسی را تور کند.»

وقتی روزنامه یکشنبه را می خواندم، متوجه شدم غالباً حواسم پیش قسمت

کمی مسخره به نظر می رسیدیم، دو تا آدم ۴۷ ساله، که بند کلاههای کاغذی سرشان را زیر چانه بسته بودند و در حیاط پشتی، پشت میز کوچکی نشسته بودند.

جشن بیست و پنجمین سالگرد ازدواجمان آن طور که در ذهن داشتم نبود. در خیال، چادر بزرگ سفید رنگی را مجسم می کردم که یک ارکستر شش نفره در آن جای گرفته اند. صدها میهمان دور می گردند. من و شوهرم دستبندهای الماس نشان رد و بدل می کنیم. او عاشقانه ذغال آخته ها را در دهانم می گذارد. ارکستر آهنگ مورد علاقه ما را می نوازد: «عشق ما حضور دارد تا بماند...»

ساعتی بعد، در حالی که فرزندانمان با چشمان مرطوب در اسکله برایمان دست تکان می دهند، از عرشه کشتی مسافربری نوارهای رنگی پرت می کنیم.

واقعیت این بود: بچه هایمان چند تا

# زنان

پیش می‌خواستم در وجودش عوض کنم، مرور کردم. هنوز هم دیر می‌کرد و هنوز هم چپ دست بود. با رفقای کمتر رفت و آمد می‌کرد ولی جایشان را با عاداتهای دیگری مثل دویدن و ماهیگیری عوض کرده بود. هفته‌ای یکی دو بار برایش خوراک سبزیجات درست می‌کردم و او خوشحال بود که تغذیه‌اش بهداشتی است.

برای اولین بار به این فکر افتادم که آیا او هم فهرستی از عادات باعث دلخوری من در ذهن دارد یا نه، و اگر دارد تا به حال چه پیشرفتی داشته است.

بیل آخرین قطعه همبرگر را از روی اجاق آورد: «می‌خواهی؟» آن را یکباره در دهان گذاشتم. گفت: «خوشمزه است.»

گفتم: «می‌دانستی که ریچارد برتون برای الیزابت تیلور یک الماس کمیاب خرید و او هم برایش یک پالتوی خز بلند خرید؟»

فرید که: «در فینکس یک پالتوی خز بلند را چکارش کنم؟»

همچنان که صندلیهای تاشو را سر جایشان می‌گذاشت، نگاهش می‌کردم. ما با هم سه جنگ، دو سقط جنین، پنج بار نقل مکان به خانه نو را پشت سر گذاشتیم. سه فرزند و نه اتومبیل داشتیم، در ۲۳ مراسم عزاداری و هفت اردوی تابستانی شرکت کردیم، ۱۲ شغل عوض کردیم و در ۱۹ بانک حساب اعتباری باز کردیم. موهایش را خودم اصلاح کردم و ۳۳ هزار و ۴۸۸ مرتبه لباسهای زیرش را برای شستشو، پشت و رو کردم. وقتی حامله بودم و برآمدگی شکمم نمی‌گذاشت پاهایم را بینم، پاهایم را برایم می‌شست و ۱۸ هزار و ۶۷۵ مرتبه بعد از هر بار سوار شدن من، صندلی اتومبیل را به حالت اولش برگردانده است.

ما خمیر دندان، بدهی، کمد لباس و خویشاوندان مشترک داشتیم. ما به هم وفاداری و اعتماد دادیم.

از جایش بلند شد، به طرفم آمد و گفت: «برایت هدیه‌ای دارم.»

هیجان‌زده پرسیدم: «چه هدیه‌ای؟»

چشمهایم را ببند.

وقتی چشمهایم را باز کردم یک شیشه گل کلم شور در دستش بود.

گفت: «آن را از بچه‌ها پنهان کردم چون می‌دانم چقدر گل کلم شور دوست داری.»

شاید عشق به همین سادگی باشد.

(در صورت امکان تایپ شود یا کاملاً خوانا نوشته شود)

..... ✂

نام: .....

نام خانوادگی: .....

سن: ..... تحصیلات: .....

تاریخ شروع اشتراک: ..... از شماره: .....

نشانی: .....

.....

کد پستی: ..... تلفن: .....



## ◀ حق اشتراک برای ۱۲ شماره (یکسال)

◊ ایران: ۱۴۴۰۰ ریال ◊ آمریکا، کانادا، خاور دور: معادل ۳۰ دلار

◊ خاورمیانه: معادل ۲۸ دلار ◊ اروپا: معادل ۵۰ مارک

## ◀ شرایط اشتراک

۱- فرم اشتراک را پر کنید.

۲- حق اشتراک را به حساب جاری ۱۹۷۰، به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل پرداخت در شعبه‌های سراسر کشور) واریز فرمایید.

۳- اصل فیش بانکی و کارت فرم اشتراک (یا کپی آن را) به نشانی ما پست کنید تا در اسرع وقت ترتیب اشتراک شما داده شود.

۴- خوانندگان گرامی خارج از کشور می‌توانند حق اشتراک خود را به نشانی زیر واریز نمایند و اصل فیش بانکی را همراه با فرم اشتراک کامل شده به نشانی ما بفرستند:

aving A/C No: 5900

Zanan Magazine

Bank Saderat Iran

Beirut Branch

Hamrae St.

Beirut, Lebanon

نشانی: تهران، صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵، مجله زنان

تلفن: ۸۳۶۴۹۸ - ۸۳۹۱۵۱ فکس: ۸۸۳۹۶۷۴

چکیده‌ای از پژوهش «بررسی نظرات کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شیراز در باره تنظیم خانواده به روش عقیم‌سازی»

پژوهشگران: زهره مکی آبادی - فرزانه گل آقایی - حسین غلامی - منیره علی قنبری - مهین عباسی

# عقیم‌سازی، زن یا مرد؟

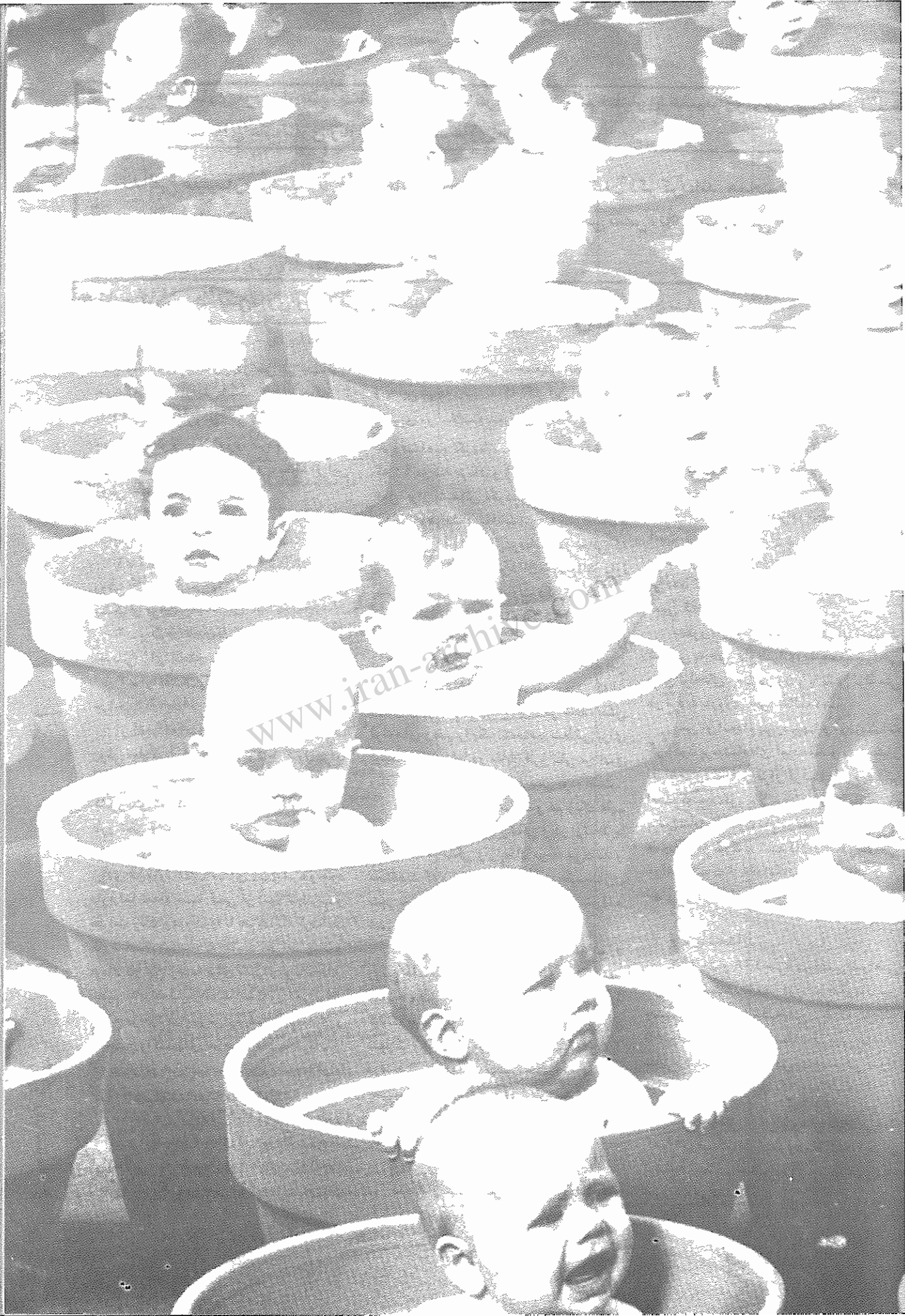
این پژوهش به بررسی توصیفی نظرات کارکنان متأهل دانشگاه علوم پزشکی شیراز درباره عقیم‌سازی اختیاری زن و مرد، به عنوان یکی از روشهای تنظیم خانواده می‌پردازد. نتایج این تحقیق که در بهار ۱۳۶۹ صورت گرفته، نشان می‌دهد که افراد مورد مطالعه، عقیم‌سازی زن را بیش از عقیم‌سازی مرد می‌شناسند. منبع عمده کسب اطلاعات در باره روش عقیم‌سازی، دوستان و بستگان افراد بوده‌اند.

۸۱ درصد از افراد مورد مطالعه، روش عقیم‌سازی را برای خانواده‌هایی که مایل به بچه‌دار شدن نیستند روش مناسبی می‌دانند، مخالفان با این روش عمده‌ترین دلیل مخالفت را امکان شیمان شدن از انجام عمل ذکر کردند. در میان موافقین با روش عقیم‌سازی، ۶۹ درصد نسبت به عقیم‌سازی مرد موافق، ۲۳/۵ درصد بی‌تفاوت و ۷/۳ درصد مخالف بودند. درصد قابل توجهی از مخالفان با روش عقیم‌سازی مرد را مردان تشکیل می‌دهند. همچنین رابطه معنی‌داری بین میزان تحصیلات و موافقت با عقیم‌سازی مرد وجود دارد. ■■

## زمینه پژوهش

مسئله افزایش جمعیت جهان در حال حاضر موضوعی است که نه تنها نظر اندیشمندان و صاحب‌نظران، بلکه اذهان همه مردم را در اغلب کشورها به خود جلب کرده‌است. پیشرفتهای علمی و فنی در جهت ارائه روشهای مناسب جلوگیری از حاملگی، تلاش سازمانهای بهداشتی برای تسهیل ارائه خدمات بهداشت مادر و کودک به همراه هشدارهای مقامات مسئول ملی و جهانی موجب شده که ۵۱ درصد از تمام زوجینی که در سنین باروری به سر می‌برند، از روشهای مختلف پیشگیری از حاملگی استفاده کنند. بر اساس گزارشات اخیر، روش عقیم‌سازی که در حال حاضر ۳۵ درصد زوجین در جهان به آن متوسل شده‌اند شایعترین راه پیشگیری از حاملگی بوده و استفاده از آن سریعتر از سایر روشها رو به افزایش است. نکته قابل توجه این است که در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای توسعه یافته، درصد بیشتری از زوجین عقیم شده‌اند. با آنکه عقیم‌سازی مردان از نظر تکنیک جراحی آسانتر، ارزانتر و کم‌خطرتر از

عقیم‌سازی زنان است، در اغلب کشورها تقاضا برای عقیم‌سازی زنان بیش از عقیم‌سازی مردان است. در ایران نیز با برداشته شدن موانع قانونی، گرایش به سوی عقیم‌سازی زنان بسیار زیاد بوده‌است، لیکن تاکنون آمار دقیقی در این باره انتشار نیافته‌است. عقیده به عقیم‌سازی زنان از اوایل سال ۱۹۷۰ به سرعت افزایش یافت و در بسیاری از کشورها تقاضا برای عمل جراحی عقیم‌سازی نسبت به امکانات فزونی گرفت. در سال ۱۹۸۹ در چین ۲۷ درصد، در کره جنوبی ۲۳ درصد و در برزیل، که یک کشور کاتولیک است، ۱۸ درصد از زنان متأهلی که در سنین باروری بوده‌اند برای پیشگیری از حاملگی از روش عقیم‌سازی استفاده کرده‌بودند. در ایالات متحده آمریکا و هلند نیز تمایل به عقیم‌سازی زنان افزایش قابل توجهی داشته‌است اما در این دو کشور عقیم‌سازی مردان بر عقیم‌سازی زنان پیشی گرفته‌است. همچنین در کشورهای پر جمعیتی مانند چین، هند و بنگلادش عقیم‌سازی مردان از روشهای مهم تنظیم خانواده به شمار می‌آید. به طور کلی بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که



● با آنکه عقیم‌سازی مردان از نظر تکنیک جراحی آسانتر، ارزانتر و کم‌خطرتر از عقیم‌سازی زنان است، در اغلب کشورها تقاضا برای عقیم‌سازی زنان بیش از عقیم‌سازی مردان است.

● مخالفین عقیم‌سازی، عمده‌ترین دلیل مخالفت خود را امکان پشیمان شدن ذکر کرده‌اند. همچنین وقوع سانحه و از دست دادن فرزند، حوادث غیر منتظره در زندگی مانند طلاق، احساس نقص، تأثیرات روحی به ترتیب از مهمترین دلایلی است که در مخالفت با این روش عنوان شده است.

● نتایج کار، رابطه معنی‌داری را بین میزان تحصیلات و موافقت با عقیم‌سازی مردان نشان می‌دهد.

علوم پزشکی شیراز که در آن زمان، متأهل بودند و محل خدمت آنها شهر شیراز بود مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش نظرات افراد درباره روش عقیم‌سازی به عنوان یکی از روشهای تنظیم خانواده مورد سؤال بود.

منظور از تنظیم خانواده مجموعه تدابیری است که با استفاده از روشهای مختلف جلوگیری از باروری، به خانواده‌ها اجازه می‌دهد که تعداد کل اولاد را به دلخواه خود تعیین کنند.

منظور از روش عقیم‌سازی آن است که شخص به طور داوطلبانه، با عمل جراحی بستن لوله‌های رحم در زن و یا بستن لوله منی در مرد به باروری خود خاتمه دهد.

پس از انجام بررسیها و آزمایشات گوناگون پرسشنامه‌ای آماده شد و در اختیار افراد مورد تحقیق قرار گرفت. لازم به ذکر است که به منظور بالا بردن صحت پاسخها، پرسشنامه‌ها بدون نام در نظر گرفته شد و همچنین از شرکت کنندگان در نظرخواهی خواسته شد که تا حد امکان پرسشنامه‌ها را به تنهایی و در همان روز تکمیل کنند.

#### ◀ یافته‌ها:

۱۴۷ زن و ۱۴۸ مرد در نظرخواهی شرکت داشتند. ۷ نفر از پاسخگویان نیز جنسیت خود را مشخص نکرده بودند. ۸۵ درصد افراد، اهل استان فارس بودند. سایر ویژگیهای اجتماعی - جمعیتی نمونه مورد مطالعه در تابلوی یک آمده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که ۹۸ درصد از افراد مورد مطالعه، اجرای برنامه تنظیم خانواده در جامعه را یک ضرورت می‌دانستند.

خصوصیات اجتماعی - جمعیتی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که اکثر این افراد هیچ تغییری در سلامت عمومی و زندگی جنسی خود مشاهده نکرده‌اند. این مطالعه نشان داد که ۹۰ درصد مردان و زنان عقیم شده از این عمل ابراز پشیمانی نکرده‌اند. همچنین اغلب مردان خاطر نشان ساختند که همسرانشان با عقیم‌سازی آنها موافق بوده‌اند. در حالی که یک سوم از زنها نظر شوهران خود را در باره بستن لوله‌های رحم بی‌تفاوت ذکر کردند.

مطالعه برتراند و ماتو (۱۹۸۹) در کنیا نشان می‌دهد که زنانی که لوله رحمشان را بسته‌اند و شوهرانشان، هر دو با انجام این عمل موافقت داشته‌اند و اکثر زوجهایی که از روشهای برگشت پذیر استفاده می‌کنند، بستن لوله‌های رحم را یک انتخاب منطقی برای آینده می‌دانند. اما در مقابل طرز تلقی مردان و زنان در باره عقیم‌سازی مرد منفی بوده است. در کشور زئیر، هم مردان و هم زنان عقیم‌سازی را فقط به دلایل پزشکی و در ارتباط با مشکلات حاملگی و زایمان موجه می‌دانند و معتقدند که در غیر این صورت عقیم‌سازی منجر به تلاشی شدن زندگی زناشویی خواهد شد.

در ایران مطالعه قابل توجهی در مورد روش عقیم‌سازی صورت نگرفته است. تنها نتایج مطالعه قره خانی (۱۳۵۳) در باره کیفیت جلوگیری از بارداری در شهر شیراز و شهرک زرقان حاکی از آن است که ۳۷/۵ درصد از جمعیت تحت مطالعه درباره عقیم‌سازی مرد و ۱۰/۷ درصد در باره عقیم‌سازی زن مطلبی ننشیده بودند.

#### ◀ روش کار

کلیه کارکنان رسمی و پیمانی دانشگاه

عقیم‌سازی اختیاری در سراسر جهان با سرعت رو به افزایش است به طوری که ۴۰ تا ۴۴ درصد از زوجها در کشورهای کانادا، پورتوریکو و جمهوری کره و ۳۰ تا ۳۵ درصد در چین، السالوادور و پاناما از این روش استفاده می‌کنند.

طبق بررسیهای انجام شده دلایل این افزایش رو به تزاید به قرار زیر است:

۱ - مطمئن و کم عارضه شناخته شدن روش عقیم‌سازی در مقایسه با سایر روشهای پیشگیری موقت.

۲ - برطرف شدن ممانعتهای قانونی و خدماتی برای انجام عمل عقیم‌سازی.

۳ - ارائه تکنیکهای ساده و پیشرفته جراحی.

از آنجا که اساسیترین ویژگی برای یک روش جلوگیری از حاملگی، قابل قبول بودن آن در سطح جامعه است، محققین، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، در مطالعات خود طرز تلقی و پذیرش افراد را نسبت به روش عقیم‌سازی مورد توجه قرار داده‌اند. متون زیادی در باره عقیم‌سازی زن و مرد وجود دارد اما تعداد نسبتاً کمی از آنها تجارب و نظرات زنان و مردان را با هم مقایسه کرده‌اند. کارشناسان معتقدند که مقایسه نظرات زنان و مردان در این زمینه برای مدیران برنامه‌های تنظیم خانواده بسیار مفید است زیرا می‌تواند موانع موجود در پذیرش وسیعتر عقیم‌سازی و همچنین واکنشهای خاص زنان یا مردان را که در ارائه خدمات باید مورد توجه قرار گیرد، تعیین و مورد بررسی قرار دهد.

سانتیز و برتراند (۱۹۸۳) در مورد طرز تلقی و انگیزه عده‌ای از مردان و زنان گواتمالایی، که عقیم‌سازی اختیاری را انجام داده‌بودند، یک بررسی مقایسه‌ای بر روی



از میان افراد مورد مطالعه ۷۳ نفر در باره عقیم‌سازی مرد و ۲۵ نفر در باره عقیم‌سازی زن اظهار بی اطلاعی کردند. از میان کسانی که در باره روش عقیم‌سازی مرد یا زن مطالبی شنیده یا خوانده بودند، ۱۳۳ نفر (۴۴٪)، دوستان و بستگان خود را منبع کسب اطلاعات ذکر کردند. بقیه منابع کسب اطلاعات در نمودار یک مشخص شده است. طبق نتایج این نظر خواهی، ۲۴۶ نفر (۸۱٪) از افراد مورد مطالعه، روش عقیم‌سازی را برای خانواده‌هایی که مایل به بچه‌دار شدن نیستند، روش مناسبی می‌دانستند و در مقابل ۵۶ نفر (۱۹٪) این روش را نامناسب دانستند که ۲۳ نفر (۴۱٪) از آنها زن و ۳۱ نفر (۵۵/۵٪) مرد بودند. دو نفر نیز جنسیت خود را مشخص نکرده بودند.

در میان مخالفان با روش عقیم‌سازی، عمده‌ترین دلیل مخالفت امکان پشیمان شدن ذکر شده است. همچنین وقوع سانحه و از دست دادن فرزند، حوادث غیر منتظره در زندگی، مانند طلاق، احساس نقص و تأثیرات روحی به ترتیب از مهمترین دلایلی است که در مخالفت با این روش عنوان شده است.

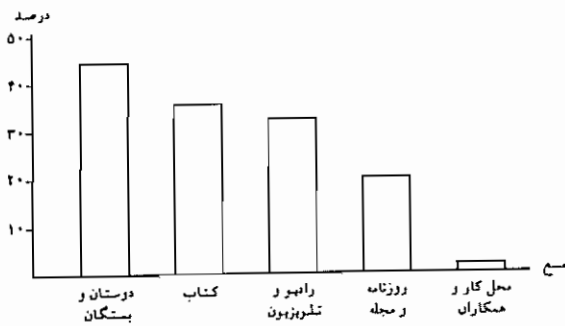
از میان کسانی که روش عقیم‌سازی را به طور کلی روش مناسبی برای کنترل جمعیت می‌دانستند، ۱۷۰ نفر (۶۹٪) با عقیم‌سازی مرد کاملاً موافق و یا موافق بودند. از این تعداد ۱۰۴ نفر (۶۱٪) زن و ۶۱ نفر (۳۵/۸٪) مرد بودند. پنج نفر (۳٪) نیز جنسیت خود را مشخص نکرده بودند.

همچنین از میان افراد موافق با روش عقیم‌سازی ۵۸ نفر (۲۳/۵٪) نسبت به عقیم‌سازی مرد بی تفاوت و ۱۸ نفر (۷/۳٪) با آن مخالف بودند.

نتایج کار رابطه معنی داری را بین میزان تحصیلات و موافقت با عقیم‌سازی مردان نشان داد (جدول ۱). همچنین پس از انطباق دادن عامل میزان تحصیلات در مردان و زنان، رابطه معنی داری بین جنسیت و موافقت با عقیم‌سازی مردان مشاهده شد (جدول ۲).

داده‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۵۱/۷ درصد از مردانی که دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر از آن بوده‌اند، با روش عقیم‌سازی مرد موافق بودند. در حالی که این درصد در میان زنان ۸۶/۱ درصد بود. بین نظرات افراد در باره عقیم‌سازی مرد با

ویژگی	فراوانی	درصد
سن:		
۲۹ - ۲۰ ساله	۳۵	۱۱۱/۷
۳۹ - ۳۰ ساله	۱۸۷	۶۱۹/۹
۴۹ - ۴۰ ساله	۵۸	۱۹۹/۲
۵۹ - ۵۰ ساله	۱۷	۵۶/۶
بیش از ۶۰ سال	۱	۰/۳
نامعلوم	۴	۱/۳
رسته شغلی:		
بهداشتی - درمانی	۱۵۰	۴۹۹/۶
اداری	۷۱	۲۳۳/۵
آموزشی	۲۴	۷۷/۹
خدمات	۵۵	۱۸۸/۳
نامعلوم	۲	۰/۷
میزان تحصیلات:		
ابتدایی	۴۱	۱۳۳/۶
دوره راهنمایی	۲۵	۸/۳
دبیرستان	۲۸	۹/۳
دیپلم دبیرستان	۱۰۵	۳۴۸/۸
فوق دیپلم	۳۵	۱۱۱/۶
لیسانس	۴۵	۱۴۶/۹
فوق لیسانس	۱۳	۴۴/۳
دکتر	۷	۲۲/۳
نامعلوم	۳	۱
میراث درآمد:		
۴۰۰۰۰ - ۲۰۰۰۰ ریال	۵۷	۱۸۸/۹
۶۰۰۰۰ - ۴۰۰۰۱ ریال	۱۲۶	۴۱۷/۷
۸۰۰۰۰ - ۶۰۰۰۱ ریال	۶۴	۲۱۳/۳
۱۰۰۰۰۰ - ۸۰۰۰۱ ریال	۳۳	۱۰۹/۹
بیش از ۱۰۰۰۰۰ ریال	۱۷	۵۶/۶
نامعلوم	۵	۱/۶
مدت ازدواج:		
۵ - ۰ سال	۵۶	۱۸۸/۵
۱۰ - ۶ سال	۷۰	۲۳۳/۲
۱۵ - ۱۱ سال	۹۰	۲۹۸/۸
بیش از ۱۵ سال	۸۱	۲۶۶/۸
نامعلوم	۵	۱/۷
تعداد فرزندان:		
۱ - ۰ فرزند	۵۰	۱۶/۵
۳ - ۲ فرزند	۱۸۲	۶۰۰/۳
۵ - ۴ فرزند	۵۱	۱۶۶/۹
بیش از ۵ فرزند	۱۶	۵۰/۳
نامعلوم	۳	۱
دین:		
اسلام	۲۸۵	۹۴۳/۳
مسیحیت	۰	۰
یهودیت	۱۰	۳/۳
زرتشت	۲	۰/۷
نامعلوم	۵	۱/۷



شماره ۱ - منابع کسب اطلاعات در باره روش عقیقه‌سازی

محدودیت‌های چندی در انجام این پژوهش وجود داشته است. وجود پراکندگی قابل توجه در میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه، احتمالاً درک افراد از جملات مندرج در مقیاس و در نتیجه پاسخهای ارائه شده را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین با توجه به اینکه پژوهش حاضر بر روی بخشی از جامعه صورت گرفته که خود دست‌اندرکار امور بهداشتی - درمانی می‌باشند، نمی‌توان گرایش‌ها و نظرات آنان را به سادگی به کل جامعه تعمیم داد. مطالعات دیگری بر روی سایر اقشار جامعه لازم است تا گرایش کلی جامعه را نسبت به عقیقه‌سازی به عنوان یک روش تنظیم خانواده روشن سازد.

پس از عمل می‌باشد. به نظر می‌رسد چنانچه تصمیم‌گیری در باره اجرای این روش با توافق زوجین و در نظر گرفتن جوانب مختلف آن صورت‌پذیرد، امکان پشیمانی به حداقل برسد. مطالعات انجام شده در پاکستان، گواتمالا و کنیا نیز پشیمانی پس از انجام عمل عقیقه‌سازی را بسیار پایین گزارش کرده‌اند.

لزوم اجرای برنامه‌های آموزشی و قرار دادن اطلاعات لازم در باره این روش، در اختیار عموم، بیش از پیش احساس می‌شود. این نکته که علی‌رغم بالاتر بودن تقاضا برای عقیقه‌سازی زنان در جامعه، درصد قابل توجهی از زنان، عقیقه‌سازی مرد را بر عقیقه‌سازی زن ترجیح داده‌اند می‌تواند حاکی از محدودیت زنان در تصمیم‌گیری برای انتخاب روشهای تنظیم خانواده باشد. از این رو چنین به نظر می‌رسد که در برنامه‌های آموزشی بهداشت و تنظیم خانواده لازمست مردان و زنان به یک اندازه مورد تأکید قرار گیرند.

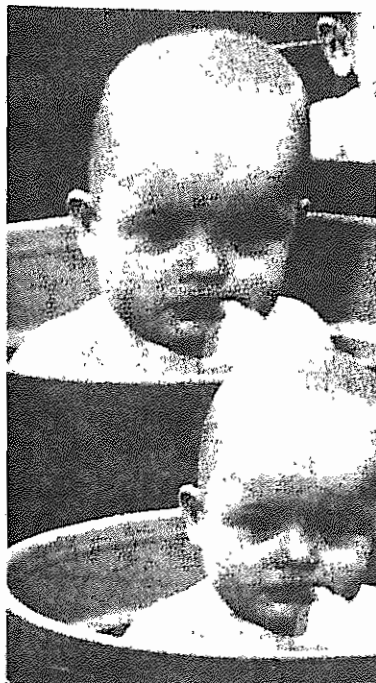
متغیرهای سن، تعداد سالهای ازدواج، تعداد فرزندان، تعداد فرزند دختر و پسر، رسته شغلی و میزان درآمد رابطه معنی داری وجود نداشت.

### بحث:

نتایج حاصل از این پژوهش، نشان‌دهنده موافقت اکثریت قابل توجهی از افراد مورد مطالعه با عقیقه‌سازی به عنوان یک روش تنظیم خانواده می‌باشد.

با توجه به اینکه جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش را افرادی تشکیل می‌دهند که تماس مستقیمی با امور بهداشتی - درمانی جامعه دارند، دلیل این امر احتمالاً آگاهی بیشتر آنان در مورد این روش می‌باشد. با این حال در میان شرکت کنندگان در این نظر خواهی، اطلاع در باره عقیقه‌سازی زن بیش از عقیقه‌سازی مرد بود. این امر می‌تواند ناشی از این تمایل فرهنگی در جامعه باشد که وظیفه تنظیم خانواده عمدتاً به عهده زنان دانسته می‌شود. در این پژوهش مشخص شد که عمده‌ترین منبع کسب اطلاعات در باره عقیقه‌سازی زن و مرد، دوستان و بستگان افراد بوده‌اند که کم‌رنگ بودن نقش وسایل ارتباط جمعی را در شناسایی این روش به مردم نشان می‌دهد. از طرفی وجود ممانعت‌های قانونی در گذشته نیز در این باره بی‌تأثیر نبوده است.

عمده‌ترین دلیلی که از سوی مخالفین با روش عقیقه‌سازی عنوان شد امکان پشیمانی



جدول یک - رابطه میزان تحصیلات با نظر افراد در باره روش عقیقه‌سازی مرد

نظرات در باره روش عقیقه‌سازی مرد	کاملاً موافق	موافق	بی تفاوت	مخالف	جمع
سطح تحصیلات ابتدایی	۷	۱۲	۱۱	۵	۳۷
دوره راهنمایی	۷	۷	۸	۱	۲۳
دبیرستان	۲	۸	۶	۲	۲۰
فیلیم دبیرستان	۳۰	۲۷	۲۰	۶	۸۳
فوق فیلیم	۱۲	۹	۸	۱	۳۰
لیسانس	۱۳	۱۸	۲	۰	۳۳
فوق لیسانس	۳	۷	۰	۰	۱۰
دکتر	۱	۳	۲	۰	۶
جمع	۷۵	۹۳	۵۷	۱۷	۲۲۲

جدول دو - رابطه جنسیت با نظر افراد در باره روش عقیقه‌سازی مرد (در افراد دارای تحصیلات دبلیم و بالاتر از آن)

نظرات در باره روش عقیقه‌سازی مرد	کاملاً موافق	موافق	بی تفاوت	مخالف	جمع
جنس جنس	۱۰	۲۰	۲۳	۵	۵۸
مذکر	۳۹	۴۸	۱۲	۲	۱۰۱
مؤنث	۲۹	۶۸	۳۵	۷	۱۵۹
جمع	۲۹	۶۸	۳۵	۷	۱۵۹

# گستاخی ویسی و صبوری شیرین!



گفتگو با دکتر مونیکا خفیلچینسکا  
ایران شناس لهستانی  
مهدی مؤذن

و تا این اندازه به این کشور و فرهنگ آن علاقه پیدا کرده‌اند که تصمیم گرفته‌اند آن را از لحاظ علمی بشناسند یعنی در این رشته، تحصیل و کار کنند. عده‌ای دیگر فقط از طریق ترجمه‌های آثار ادبی آشنایی پیدا کرده بودند و چون به راستی ادبیات فارسی یکی از غنیترین و جالبترین ادبیات دنیاست - و کمتر ادبیاتی می‌توان پیدا کرد که این قدر ستهای دیرینه و سابقه داشته باشد - می‌خواهند آن را به زبان اصلی بخوانند. در هر صورت همه آنها وقتی تصمیم می‌گیرند تحصیلات خود را در این رشته شروع کنند یک قصد و هدف مشخصی دارند. آنها طی تحصیل، زمینه‌های جدیدی را کشف می‌کنند که چه بسا موجب شود رشته تحصیلی و تخصصی خود را عوض کنند. مثلاً متوجه می‌شوند در کنار ادبیات، هنرهای زیبا هم در ایران بسیار جالب است یا به مسائل

○ در لهستان علاقه‌مندان فرهنگ و تمدن ایران و تاریخ و ادبیات کشور شما زیادند. ما کوشش می‌کنیم به دانشجویان خود، ایران را لااقل در سطحی که در طول تحصیلات ۵ ساله ممکن است، معرفی کنیم و بیاموزیم. کوشش می‌کنیم که دانشجویان طی تحصیل با جنبه‌های مختلف زندگی در ایران گذشته و امروزی، با رشته‌های مختلف فرهنگ ایران از آن جمله ایران باستان آشنایی پیدا کنند تا بعد خودشان بتوانند یک رشته مشخصی را انتخاب کنند و به کار در همان زمینه بپردازند. بدون تسلط بر زبان، آشنا شدن با ادبیات کلاسیک و امروزی، با آنچه که برای فرهنگ و تمدن ایران اهمیت دارد، غیر ممکن است.

انگیزه دانشجویان، مختلف است. در میان آنها کسانی هستند که بنا به دلایلی به ایران سفر کرده بودند

● دکتر «مونیکا خفیلچینسکا»، استاد دانشگاه ورشو در رشته ایران‌شناسی است. او مدت یکسال (۱۹۷۷-۸) در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران تحصیل کرده و در سال ۷۹ تحصیلات خود را در ورشو به اتمام رسانده است و اکنون زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌کند. او پایان‌نامه خود را در مورد قهرمانان زن داستانه‌های رمانتیک «ویس و رامین»، «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» نوشته است. مصاحبه زیر در سفری که دکتر خفیلچینسکا به ایران داشت با وی انجام شده است. این گفت‌وگو به زبان فارسی صورت گرفته و متن گفتار وی اندکی ویرایش شده است: ■■

● موقعیت ایران‌شناسی در لهستان چگونه است و انگیزه کسانی که به این نوع مطالعات می‌پردازند چیست؟

● محققینی کوشیده‌اند ویس را با شیرین مقایسه کنند. عده‌ای آنها را در برابر هم قرار می‌دهند یعنی عشق ویس را بد و بی‌شرمانه و عشق شیرین را نمونه و مثال عشق پاک و وفادار می‌پندارند.

● آنهایی که به راستی در این داستانه‌های ایرانی بیش از همه اهمیت و نقش دارند دخترها و زن‌ها هستند.



امروزی علاقه بیشتری پیدا می‌کند و با علاقه شدیدی به تاریخ پیدا می‌کنند و تاریخدان می‌شوند.

● در حال حاضر چند نفر در لهستان سالانه در این رشته فارغ‌التحصیل می‌شوند؟

○ معمولاً ما کوشش می‌کنیم تعداد دانشجویان در هر گروهی محدود باشد. یکی از علت‌های آن امکانات دانشگاه و تعداد استانی است که در رشته ما کار می‌کنند. از طرف دیگر باید کوشش کنیم بیشتر از تعدادی که بعد از اتمام تحصیلات بتوانیم برای آنها کار تامین کنیم دانشجویان نپذیریم. و چون همه دانشجویان ما وقتی تحصیلات خود را شروع می‌کنند معمولاً زبان فارسی بلد نیستند تدریس زبان یکی از نکات عمده روند تدریس در رشته ما می‌باشد. بنابراین کوشش می‌کنیم گروهها بیشتر از ۱۵ نفر نباشد. برای این که کار کردن با گروهی که بیش از ۱۵ نفر باشد مشکل است و تا اندازه‌ای به ضرر دانشجویان تمام می‌شود.

● با توجه به این که شما درباره داستان سرایی نظامی و گرگانی کار کرده‌اید آیا به این نوع ادبی از لحاظ نحوه تکامل آن در ادبیات کلاسیک ایران توجه داشته‌اید؟

○ من تن خود را در مورد «ویس و رامین» گرگانی نوشته‌ام و بعد به نظامی گنجوی پرداخته‌ام. در میان داستان سرایان دیگر فارسی، چهره‌ها و آثاری را می‌بینم که به راستی مرا شیفته خود کرده و در آینده قصد دارم که به تدریج، آنها را بهتر بشناسم. از میان شعری که به آنها فوق‌العاده علاقه دارم باید از «عطار» و «مولوی» و «جامی» نام ببرم. در آینده نزدیکتر به بررسی آثار منظوم «دهلوی» می‌پردازم. البته برای هر کسی که می‌خواهد درباره داستان سرایی کار بکند، آشنایی با «شاهنامه فردوسی» هم ضروری است. داستان سرایی شما تا اندازه زیادی از همان کتاب فردوسی سرچشمه می‌گیرد. گرچه فقط شاهنامه نیست که پایه و اساس رشد

و تحول بعدی داستان سرایی در ایران است اما متأسفانه از ادبیات قبل از فردوسی آثار محدودی به جا مانده و نظر به نداشتن منابع قبلی تا اندازه زیادی برای تحقیقات درباره آثار کلاسیک و داستان سرایی فارسی به شاهنامه فردوسی مراجعه می‌کنیم.

● شما در بررسی داستان سرایی منظوم ایرانی از چه روشی تبعیت می‌کنید؟ آیا نظریه خاصی دارید؟

○ ما می‌توانیم ادبیات را با هر وسیله‌ای که بخواهیم بررسی کنیم به شرط این که وسیله ما یکپارچه و مشخص باشد. من قبلاً تصمیم نمی‌گیرم که چگونه می‌خواهم اثر یا نوشته‌های یک شاعر یا نویسنده را بررسی کنم. فکر می‌کنم در آثار ادبی خصوصیات نهفته است که این خصوصیات شیوه برخورد با اثر را به ما تحمیل می‌کند. یعنی بعد از مطالعه آثار ادبی من تازه می‌فهمم که چه چیزهایی در این اثر قابل توجه است و با چه وسیله‌ای باید آن را بررسی کنم. بعد از بررسی دقیق موضوع داستان «گرگانی»، برای من خودبه خود معلوم شد آنهایی که به راستی در این داستانها بیش از همه اهمیت دارند و نقش خاصی را بازی می‌کنند دخترها و زنها هستند. بنابراین توجه خود را به چهره‌های زنانی که قهرمانان این داستانها هستند متمرکز کرده بودم، در «خمس نظامی» برعکس. یعنی من بدون هیچگونه تبعیضی کوشش کردم همه قهرمانان داستانهای «نظامی» را اعم از اصلی و فرعی، بررسی و ارزیابی کنم و خصوصیات آنها را هرچه دقیقتر بشناسم و بفهمم. بعد معلوم شد با وجود این که زنها در داستانهای «نظامی گنجوی» نقشهایی بازی می‌کنند، به خصوص در «خسرو و شیرین»، ولی توجه خود شاعر مثل این که به دور چهره قهرمانان مرد متمرکز شده و در نتیجه کار من هم بیشتر متوجه مردان شد. فکر می‌کنم همین شیوه برخورد با آثار ادبی به من اجازه داده بود تا صادقانه آنچه را که در آثار گفته شده، منعکس سازم.

● آیا شما در ترکیب موادی که تحلیل کرده بودید الگویی داشتید؟

○ در مجموع، در نتیجه ارزیابی و تحلیل «خمس نظامی» یک انعکاسی از تصویر اجتماعی و قشری و طبقه‌بندی اجتماعی به دست آوردم. کوشش کردم که به سنتها و ترکیب‌بندی نه فقط جامعه ایرانی بلکه جوامع هند و اروپایی در مجموع، مراجعه کنم. در این مورد کارها و تحقیقات «دومزیل» (Dumezil) فرانسوی به من فوق‌العاده کمک کرد. او درباره جنبه‌ها و خصوصیات جوامع هند و اروپایی با ذکر تفاوت‌هایی که بین آنها وجود دارد و شباهت و عوامل مشترکی که آنها را به یکدیگر پیوند می‌دهد بهترین آثار و تحقیقات را دارد.

● می‌توانیم بگوییم روش شما بیشتر یک روش جامعه‌شناختی است؟ یعنی در بررسی محتوای این متون شما نتایج جامعه‌شناختی می‌گیرید؟

○ با این تذکر که در مورد «دومزیل» نمی‌توانیم تنها به عنوان یک جامعه‌شناس صحبت بکنیم. همان شیوه‌ای که در شناخت جوامع، فرهنگ و تمدن آنها به کار برده می‌شود، یعنی هم جامعه‌شناسی هم فرهنگ‌شناسی و تا اندازه‌ای نتایج محققین دیگر که تئوری را ایجاد کردند مورد استفاده من قرار گرفت.

● شما از مطالعات خود درباره ویس و رامین و در داستانهای نظامی که به خصوص موضوع رساله دکتری شما بوده چه نتایج جدیدی به دست آورده‌اید که قابل اعتناست؟

○ من همیشه وقتی که با آثار و نوشته‌های محققین و دانشمندان و استادان دیگر در مورد نوشته «گرگانی» و «نظامی گنجوی» آشنا می‌شدم، احساس نوعی کمبود می‌کردم. در مورد ویس و رامین کارهایی که نوشته شده در مجموع نسبتاً کم است. در مورد «نظامی» هم این کمبود حس می‌شد که همه محققین گویی شیفته سبک و بیان وی

شده بودند. عده‌ای دیگر، باز چون زندگی و شرح حال وی چنان که باید هنوز شناخته نشده، کوشش کرده‌اند از روی آثارش معلومات و اطلاعات بیشتری به دست آورند. اما خود داستانها، به خصوص قهرمانان آنها مسأله‌ای بوده که کمتر کسانی به بررسی و معرفی آنها دست زده‌اند. بدین ترتیب من در هر دو مورد کوشش کردم که قهرمانان این داستانها را هرچه بیشتر و دقیقتر بشناسم و اینها را هرچه کاملتر تا آن جا که آثار اجازه می‌دهد معرفی کنم. مطلبی که در «ویس و رامین» توجه مرا جلب کرده این بود که به چه دلیل این اثر عموماً به عنوان یک اثر ضداخلاقی تلقی شده و می‌شود. من بالاخره به این نتیجه رسیدم که ضداخلاقی تلقی شدن «ویس و رامین» و این که به خانه‌های مردم راه پیدا نکرده، به علت موضوع داستان نیست بلکه طرز تشریح حوادث و وقایع و طرز معرفی چهره «ویس» و عشق او به «رامین» است. نباید فراموش کنیم که «ویس و رامین» از داستانهای قدیمی فارسی سرچشمه گرفته و این داستان در زمان و اوضاع اجتماعی‌ای به وجود آمده که در آن محیط، زنان نقش به مراتب بیشتری را ایفا می‌کردند تا در زمانهای بعد، و داستان «ویس و رامین» بیشتر با توجه به همین محیط یعنی جامعه زنان در زمان قدیم، با در نظر گرفتن طرز تفکر آنها و به منظور جلب توجه آنها گفته شده که بعد «گرگانی» همین شیوه گفتار و بیان را دنبال نموده اما اوضاع اجتماعی زمان «گرگانی» دیگر با زمان اصلی داستان سازگار نبوده است. برای همین از زمان «گرگانی» به بعد مردم، این طرز تفکر و بیان عشق و عاشقی را رد می‌کردند. در یک کلام، معتقدم که تلقی «ویس و رامین» به عنوان یک اثر ضداخلاقی، در خود داستان، در عشق «ویس و رامین» و در طرز گفتن شاعر این داستان نیست بلکه در وجود چهره «ویس» است؛ او جرأت دارد که درباره عشق خود آشکارا صحبت کند. توقع دارد که او هم باید بتواند هرطور که می‌خواهد زندگی کند و به نتایج و اهدافی که برای خود تعیین



برده، برسد. فکر می‌کنم آنچه در میانهای گذشته، وقتی «ویس و امین» به وجود می‌آمد، فقط جرأت یک زن به داشتن یک زندگی مطابق میل و سلیقه خودش تلقی می‌شد، در میان «گرگانی» به عنوان یک استاخی شناخته شد.

در داستانهای نظامی به همان سبب قبلی خود کار را ادامه دادم. بریدی نیست که در داستانهای نظامی با وجود این که زنانی چون لیلی و «شیرین» هم نقشی ایفا می‌کنند، قهرمانان اصلی مردان ستند: خسرو، فرهاد، مجنون، بهرام. رای جمع‌بندی نتایج به دست آمده بن بار از روش دیگر کار استفاده نردم یعنی بیشتر به مسائل اجتماعی، جامعه‌شناسی مراجعه کردم و الاخره توانستم در چهره‌های هر یک از قهرمانان، یک تیپ پیدا کنم که هر یک از آنها به طور خاصی اوضاع و احوال و وقایع جامعه ایرانی را در میان قلم منعکس می‌ساختند و در مجموع با جوامع هند و اروپایی مطابقت داشتند. یعنی معتقدم همان‌طور که در زمانهای قدیم اقشار و طبقات مختلف اجتماعی کنار هم زندگی می‌کردند همین‌طور هم در آثار نظامی تپهای مختلف قهرمانان ایجاد شد. هر یک از این قهرمانان تپ می‌باشد که یک گروه اجتماعی را با وظایف مشخص آن و نقش مشخص آن در جامعه منعکس می‌سازد. این گفته نه فقط در مورد قهرمانان مرد بلکه در مورد قهرمانان زن هم در داستانهای نظامی دیده می‌شود. در مجموع اگر تمام قهرمانان داستانهای «نظامی گنجوی» را کنار هم بگذاریم انعکاس کاملی از جامعه ایران باستان و حتی جوامع هند و اروپایی است.

● شما بین ویس و شیرین هیچ شباهتی می‌بینید؟

○ عده زیادی از محققین کوشش کرده‌اند ویس را با شیرین مقایسه کنند. عده‌ای معتقدند که شیرین و عشق او به خسرو تا اندازه‌ای دنباله داستان «ویس و رامین» است و «نظامی» از اثر «گرگانی» الهام گرفته. عده‌ای بر این نظرند که شیرین تا اندازه‌ای به ویس

شباهت دارد. یعنی او هم مانند ویس به عشق و مردی که دوست دارد وفادار است و به هیچ وجه حاضر نیست از عشق خود دست بردارد. عده‌ای می‌گویند چهره شیرین درست مقابل ویس است. یعنی به همان اندازه‌ای که عشق ویس بد و بی‌شرمانه است، عشق شیرین نمونه و مثال عشق پاک و وفادار است.

تفاوت اصلی بین شیرین و ویس این است که شیرین از لحظه اول که تصویر خسرو را می‌بیند تا آخر عمر او را دوست دارد اما وقتی می‌بیند نمی‌تواند به خسرو برسد با صبر، انتظار می‌کشد. یعنی دوری و ازدواجهای مکرر خسرو را تحمل می‌کند به امید این که بتواند به او برسد. در حالی که ویس درست برعکس است. یعنی ویس وقتی تصمیم می‌گیرد به رامین برسد از یافتن هیچ راهی کوتاهی نمی‌کند تا به هدف خود دست یابد.

● آزادی‌ای که ویس و شیرین در رفتارشان نشان می‌دهند، قاعدتاً باید با نوع جهان‌شناسی جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کردند مربوط باشد. نظر شما در این مورد چیست؟

○ متأسفانه منابعی که از زمان قدیم باز مانده و در دست است به ما اجازه نمی‌دهد که قضاوت کنیم الگویی که شاعر، ویس را مطابق آن معرفی کرده چه بوده است. به نظر می‌آید داستان «ویس و رامین» منعکس کننده زندگی درباری آن باشد. این که شیرین اصلاً یک تیپ دیگری است شاید از یک طرف علش این باشد که اوضاع زمان خسرو پیروز با اوضاع دوران ویس و رامین فرق داشته، دوم این که در چهره شیرین جنبه دیگری می‌بینیم که بیشتر در داستان فرهاد و شیرین دیده می‌شود. تردیدی نیست که داستان «فرهاد و شیرین» به داستان «خسرو و شیرین» افزوده شده است. اگر چه این هم درست نیست. زیرا در اکثر نوشته‌ها می‌خوانیم که نظامی نخستین شاعری بود که این دو داستان را به هم پیوند داد. در حالی که به خصوص در ادبیات گردی، که به نظر می‌رسد از زمانهای بسیار قدیم باقی مانده، این دو داستان با هم پیوند

دارد. بر طبق بعضی از داستانهای گردی، شیرین قبل از خسرو می‌میرد و خسرو او را در کنار فرهاد دفن می‌کند و برای آنکه بعد از مرگ هم آنها با هم نباشند بین قبر آنها یک پیروز یا حتی جادوگر را دفن می‌کند.

در هر صورت، در همین داستان «فرهاد و شیرین» یک چهره دیگر شیرین هم دیده می‌شود. اگر به اسم او توجه کنیم به عقیده من واژه شیرین از شیر می‌آید. اگر چه مطابق گفته و نوشته عده زیادی از محققین شیرین به معنای امروزی آن وجود داشته است. اما به عقیده من شیرین یعنی مربوط به شیر. این نکته کشف من نیست. استاد راهنمای من، خانم پروفسور «ماریا اسکلا دانکوا»، خیلی وقت پیش به آن توجه کرده بودند. ایشان از جمله چهره شیرین را در شاهنامه فردوسی بررسی کرده بودند که شیرین حتی همان‌طور که فردوسی او را معرفی کرده دارای خصوصیات الهی‌های قدیمی شیردهنده یا آب‌دهنده می‌باشد. باز به عقیده من در اثر نظامی این خصوصیت شیرین بیشتر از کتاب فردوسی دیده می‌شود: فرهاد برای شیرین جوی شیر می‌کند و شیرین وقتی به کوهستان می‌رود چیزی که برای فرهاد می‌برد و به او تقدیم می‌کند، یک جام شیر است که نوشیدن این جام شیر نیروی تازه‌ای به فرهاد می‌بخشد. بعد از آن فرهاد بدون هیچ مشکلی راه را می‌کند و خسرو از ترس این که فرهاد چند روز دیگر ممکن است راه را تمام کند توطئه‌ای می‌چیند تا فرهاد را از بین ببرد.

من فکر می‌کنم شیرین به عنوان یک الهه شیردهنده و آب‌دهنده یعنی حیات بخش از یک طرف و به عنوان الهه‌ای که همه اشخاصی را که در کوهها و معادن کار می‌کنند تحت حمایت می‌گیرد، از طرف دیگر مطرح است. زیرا چنین الهه‌هایی در فرهنگهای هند و اروپایی وجود دارند. شیرین، فرهاد را به عنوان یک کوهکن حمایت می‌کند و عشق فرهاد به شیرین در واقع عشق زمینی نیست بلکه یک نوع پرستش است، پرستش یک کوهکن، یک زحمتکش نسبت به الهه‌ای که او را حفاظت و

حمایت می‌کند. این یکی از علتها و علت اصلی و عمده در نرسیدن فرهاد به شیرین است. در پلان زمینی، فرهاد یک فرد عادی است از طبقه متوسط و شیرین از خاندان پادشاهی و نمی‌تواند به او برسد، نمی‌تواند او را به دست آورد. اما در معنای مجازی، فرهاد نمی‌تواند به شیرین برسد چون فقط می‌تواند او را ببرسد. این که شیرین، فرهاد را حمایت می‌کند تنها راه رسیدن فرهاد به شیرین است.

نقش شیرین به عنوان الهه بیشتر در داستان فرهاد و شیرین دیده می‌شود. اما داستان «خسرو و شیرین» شباهت بیشتری به داستان «ویس و رامین» دارد. یعنی داستانی است از زندگی پادشاهان آن زمان. اگر چه من در جریان کارم به این موضوع توجه کردم که بنا به گفته «نظامی»، خسرو موقعی به سطح یک پادشاه خوب و عادل مثل انوشیروان می‌رسد، موقعی به یک پادشاه واقعی تبدیل می‌شود که شیرین را به زنی می‌گیرد. من این برخورد نظامی را با موضوع اتفاقی نمی‌بینم. شیرین به عنوان زن خسرو تا اندازه زیادی به الهه‌هایی شبیه می‌شود که در مناطقی که نظامی زیسته و در مناطقی که خسرو و شیرین زندگی می‌کردند تا زمانهای بسیار دیر مورد پرستش بوده‌اند. منظورم آن‌اهیتاست. ببینید، در حجاریهای اطراف قصر شیرین و کرمانشاه، هم در نقش رستم و هم بیتون، می‌بینیم که پادشاهان ساسانی از آن‌اهیتا تاج پادشاهی و جام را به دست می‌آورند. من فکر می‌کنم که نظامی که با فرهنگ و تمدن آن منطقه آشنایی بسیار خوبی داشته تا اندازه‌ای از این موتیف هم استفاده کرده است. این که خسرو تازه پس از ازدواج با شیرین به یک پادشاه عادل و ادامه‌دهنده بهترین سنتهای پادشاهی ایران باستان تبدیل می‌شود تقریباً به این معنی است که او از شیرین، مثل شاهان ساسانی در حجاریها، تاج پادشاهی را به دست می‌آورد. شیرین است که او را به کسب علم و دانش تشویق می‌کند و به او توضیح می‌دهد که یک پادشاه باید حتماً بر علم و دانش به بهترین وجه مسلط باشد.

# مشاوره قضایی زنان، فرصتی دیگر امانه به بهای ایستایی!

- در شرایط فعلی که زنان حق تحصیل در رشته حقوق قضایی را دارند ولی از ورود به کادر قضایی قوه قضاییه محروم مانده‌اند، مصوبه اخیر گامی است در جهت ایجاد تعادل و بهبود در زمینه کسب فرصت‌های شغلی تازه‌ای برای زنان.
- سخنان گروهی که هم موافق لایحه سخن گفتند و رأی دادند و هم از بیان مشروعیت قضاوت زنان پرهیز کردند، از همه آنچه طی سالها زنان را آزرده است، نگران‌کننده‌تر است.
- نظر به این که جمعی از فقها، حق قضاوت زنان را مشروع می‌دانند و در اثبات آن به داشته‌های فقهی و تاریخی استناد می‌کنند، ایجاد فضای باز برای مبادله افکار و اندیشه‌های موافق و مخالف، به نحوی که فقط محدوده مجلس شورای اسلامی در انحصار موضوع نباشد، ضروری به نظر می‌رسد.
- زنانی که در نهاد قانونگذاری ایران و کمیسیونها و جلسات و مذاکرات قانونگذاری فعال هستند، نباید به این مختصر قناعت کنند و از پای بنشینند.

مهرانگیز کار

کنند، به بهانه مخالفت احکام شرع با قضاوت زن، از انشای رأی منع شدند. حال آنکه جمعی از فقها، قضاوت زنان را بلامانع می‌دانند. به هر حال آثار و عوارض اجتماعی گوناگونی بر موضوع سلب حق قضاوت از زنان بار شد که بیان آن از حوصله این نوشتار خارج است.

امروز که با مصوبه مجلس شورای اسلامی روبرو شده‌ایم - هر چند

موضوع حساس و مهم قضاوت زنان از سال ۱۳۵۸ تاکنون، خبرساز و بحث‌انگیز بوده است. در سال ۱۳۵۸، در شرایطی که زنان می‌خواستند به اعتبار و اتکای انقلاب اسلامی، خواسته‌های فزونی را در زمینه حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی خود مطرح

آزردگی و افسوس از این که سالهایی را که می‌توانست در جهت اعتلای حقوق زن پرثمر باشد از دست داده‌ایم - ناگزیر هستیم از صفر شروع کنیم و از ابتدا راجع به حق انسانی زنان در کلیه امور سیاسی - اجتماعی، که قضاوت پاره‌ای از آن است، سخن بگویم.

در این میان تصور می‌کنم اگر احکام استخدایم زنانی را که در گذشته با پایه قضایی در قوه قضاییه کشور فعال بودند، در سالهای بعد ز سلب حق قضاوت از زنان کنار یکدیگر قرار دهید، آشکار می‌شود که تا چه اندازه نسبت به این زنان، که کارنامه درخشانی از خود در مر قضا باقی گذاشته‌اند، جفا شده‌است. از آن پیشینه در می‌گذرم و به زمان حال می‌پردازم، که موضوع را از چندین و چند جهت قابل بحث می‌نماید.

«لایحه اصلاح تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب سال ۱۳۶۳»، چهارم اردیبهشت امسال، در شور اول به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. به موجب این لایحه، به رییس قوه قضاییه اجازه داده شده است بانوانی را که واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری هستند، با پایه قضایی، جهت تصدی پستهای مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی خاص، دادیاری، بازپرسی و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین دادگستری و اداره سرپرستی صغار و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام کند. بنابراین:

۱- زنان در تشکیلات سازمان قضایی کشور، که شاید سه چهارم مجموعه کادر قضایی آن را مشاوران، دادیاران و بازپرسیان تشکیل می‌دهند، فرصت حضور می‌یابند. هر چند این فرصتها قبلاً به موجب «تبصره ۵ قانون الحاق پنج تبصره به قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۶۳/۱۱/۱۸»، منحصراً به بانوان دارنده پایه قضایی (یعنی زنانی که سابق بر این قاضی بوده و تا مرحله ریاست دادگاه هم پیش رفته‌اند) داده شده بود، مصوبه کنونی موضوع را از انحصار زنانی که در گذشته دارای پایه قضایی بوده‌اند، خارج ساخته و در اختیار عموم زنانی که تحصیلات در رشته حقوق قضایی یا الهیات را گذرانده‌اند و واجد شرایط انتخاب قضات دادگستری هستند، قرار می‌دهد. لذا از یک نقطه نظر گفته می‌شود اساساً حقی که در این مصوبه به آن توجه شده است قبلاً در قانون مصوب ۱۳۶۳، به شرحی که گذشت، برای زنان خاصی پذیرفته شده بوده است و تازگی ندارد.

۲- در جریان مذاکرات مربوط به این مصوبه، اعضای ذکور مجلس شورای اسلامی به دو دسته تقسیم شدند. مخالفان با استناد به فقه و احادیث و روایات و در مجموع، منابع دینی، از در مخالفت با آن درآمدند و سخنها گفتند. زنان از دیدگاه این گروه، اساساً درخور و شایسته نیستند که طرف مشورت قرار گیرند. طبیعی است که زنان ایران با اطلاع از این موضعگیری صریح و آشکار، بیش از پیش، دل در سینه‌شان لرزید و هراسناک آینده خود شدند که معلوم نیست به تبع کدام اوضاع و احوال شکل می‌گیرد و از حیث توجه به حقوق انسانی آنها، با وجود یک چنین دیدگاه زن ستیزی، به کدام سمت و سو در حرکت است. نگرانی و خوف، زمانی به اوج خود رسید که آقایان موافق لایحه در مجلس شورای اسلامی، حتی نماینده دولت که از این لایحه به دفاع برخاسته بود، عموماً و بدون استثنا، برای آن که حریف مخالف را به حقانیت لایحه متقاعد سازند، پی در پی می‌گفتند: «... مشاورت به لحاظ شرعی اشکال ندارد و قضاوت نیست.»

سخنان این گروه، که هم موافق لایحه سخن گفتند و رأی دادند و هم از بیان مشروعیت قضاوت زنان پرهیز می‌کردند، از همه آنچه طی سالها زنان را آزوده‌است، نگران‌کننده‌تر بود. چون غالب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هماهنگ و یکصدا، به سلب حق قضاوت از

زنان، به مفهوم خاص آن، یعنی حق صدور رأی و تصمیم‌گیری نهایی، نظر دادند. زنان ایران پس از سالها انتظار، تازه در نقطه شروع حرکتی قرار گرفته‌اند که ناگزیرند تمامیت انسانی خود را، تحت هر شرایط و به هر صورت که ممکن باشد، به اثبات برسانند و در این موقعیت، تکلیف زنان ایرانی برای حق‌خواهی بسی سخت‌تر از گذشته، رو به روی آنها قرار گرفته‌است و این تکلیف البته می‌طلبد که موضوع حق قضاوت زنان، به مفهوم خاص آن، در جریان یک کار فرهنگی وسیع توسط مطبوعات و نهادهای فرهنگی و افراد صاحب قلم و صاحب بصیرت در امور اجتماعی و دینی - که در بررسی مسایل حقوقی، مقتضیات و نیازهای زمان و مکان را در نظر دارند - به بحث گذاشته شود.

۳- نظر به اینکه جمعی از فقها، حق قضاوت زنان را مشروع می‌دانند و در اثبات آن به داشته‌های فقهی و تاریخی استناد می‌کنند، ایجاد فضای باز برای مبادله افکار و اندیشه‌های موافق و مخالف، به نحوی که فقط محدوده مجلس شورای اسلامی در انحصار موضوع نباشد، ضروری به نظر می‌رسد. مقالاتی که در شماره‌های ۴ و ۵ مجله زنان در این زمینه به چاپ رسید، گویای آن است که منابع فقهی با قضاوت و داوری زنان مخالف نیست. دیدگاههای مخالف، چنانچه از دریچه فرهنگی با دیدگاههای موافق به تقابل بردازد، نتایج مذاکرات پارلمانی حاصله، شکلهای مطلوب‌تری به خود می‌گیرد و چنین یکصدا و پرشور و بی‌تردید بر حق قضاوت زنان، به مفهوم خاص آن قلم بطلان کشیده نمی‌شود.

۴- با آنکه تصویب لایحه را در همین حدی که هست به فال نیک می‌گیرم اما تصور نمی‌کنم در شرایط موجود، که موافق و مخالف در جمع اعضای ذکور مجلس شورای اسلامی، قایل به مشروعیت و قضاوت زنان نیستند، رسیدن به حق قضاوت، در آن حد که تصور آن را در سر می‌پرورانیم، سهل و آسان باشد. چنانچه در بر همین پاشنه بچرخد، تا رسیدن به حق قضاوت زنان، راهی بس دور و پر مخاطره پیش رو داریم.

۵- از طرفی، در شرایطی که قانون تشکیل دادگاههای عام، مرحله عمده‌ای از تصویب را گذرانده و طبق مفاد و مندرجات این قانون، دیگر در سازمان قضایی کشور جایی برای دادیار و بازپرس و مشاور باقی نمی‌ماند، این سؤال پیش می‌آید که مفاد لایحه مورد بحث چگونه به اجرا گذاشته خواهد شد. البته گفته می‌شود که همه عناوین مندرج در لایحه، در شور دوم به «قاضی تحقیق» تبدیل می‌شود که او، قاضی صادرکننده رأی را در اتخاذ تصمیم نهایی و صدور رأی یاری می‌دهد. آنچه مسلم است، قاضی تحقیق در احقاق حق و ایجاد فضای بهتر برای تأمین عدالت، نقشهای گوناگون و مؤثری ایفا می‌کند و چنانچه لایحه، در همین حد هم، مراحل تصویب را بگذراند و به اجرا درآید، قوه قضاییه ایران از برکت وجود زنان تحصیلکرده در رشته حقوق، که با شور و شوق بسیار آماده ورود به حوزه خدمات قضایی هستند، بهره‌مند می‌شود. گو این که مشاور و قاضی تحقیق در مقام صدور حکم نیست اما نقش او در صدور حکم، عامل مؤثر و تعیین‌کننده‌ای است. با توجه به اوضاع و احوال کنونی که زنان از حق تحصیل در رشته حقوق قضایی بهره‌مند هستند، ولی در عین حال از حق ورود به کادر قضایی قوه قضاییه محروم مانده‌اند، مصوبه اخیر را می‌توان گامی در جهت ایجاد تعادل و بهبود در زمینه کسب فرصتهای شغلی تازه‌ای برای زنان شناخت.

با وجود این زنانی که در نهاد قانونگذاری ایران و کمیسیونها و جلسات و مذاکرات قانونگذاری فعال هستند، نباید به این مختصر قناعت کنند و از پای بنشینند. آنها باید همچنان پیگیر کسب حق قضاوت باشند زیرا در دنیای کنونی، قناعت به حقوق محدود و مختصر و مشروط برای زنان، در حکم توقف و ایستایی است.